

مختصری درباره اشتباهات در عقود و حقوق تطبیقی مربوط بان

مقدمه

اگر با دردست داشتن مواد قانون مدنی وقانون آئین دادرسی مشکلات حقوق اشخاص را ممکن بود باسانی پیش بینی کرد بقول صاحب کتاب کلیله ودمنه خلق از قضاوت فارغ میشدند مواد قانون مدنی مثل فورمول ریاضی نیستند که با قراردادن معلومات معینی جواب صحیحی بدست بدهند ونه منطبق قادر است نتایج مطلوب و مفیدی چه برای اصحاب یک دعوی وچه برای جامعه از کلیات نصوص قوانین استنتاج کند اگر در واقع میشد از منطق و ریاضی چنین استفاده کرد ماعوض قاضی عادل و مجرب و عاقل و بجای وکیل فاضل و محقق احتیاج به منطقی و ماشین حساب داشتیم.

حقیقتی که همه میدانند و کمتر بان اذعان کرده اند این است که قضات و وکلاء در هر دعوی روبرو بمطالب تازه و حقوق جدیدی میشوند. نصوص قوانین برای راهنمایی در کلیات حقوق و کسب اعتماد و اعتبار جامعه در آتیه اعمال افراد و تاحدودی برای جلوگیری از اعمال نظر شخصی و خودرانی است جامعه ما هر روز وسعت جدید و مشکلات بفرنجتری ایجاد میکند و وظیفه قضات و وکلا است که این مشکلات جدید و متنوع را با کلیات نصوص قوانین که سالهای پیش نوشته شده و در دسترس آنها گذارده اند حل کنند. این وظیفه نه کار ریاضی است ونه عمل منطقی بلکه جز عقل وکیاست بشری قادر بحل آن نخواهد بود.

در ضمن مختصر بحثی که در صفحات آتی خواهد شد نویسنده سعی میکند مواد و مطالب مربوط به اشتباهات در عقود را تحت مفهوم کلی مذکور در این مقدمه مطالعه کند. کسب کمال در این مورد هم از حوصله گنجایش یک مقاله خارج است وهم از قدرت توانائی این نویسنده ناچیز.

فقط در سه ماده ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - قانون مدنی ایران کلمه اشتباه در عقود ذکر شده این مواد مقرر میدارند .

ماده ۱۹۹ - رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست .

ماده ۲۰۰ - اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط بخود موضوع معامله باشد.

ماده ۲۰۱ - اشتباه در شخص طرف بصحت معامله خللی وارد نمیآورد مگر در مواردیکه شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.

یک موضوع در هر سه این مواد قابل ملاحظه است و آن اینست که اساس اشتباه بر معلول بودن رضای طرف بنا شده اما در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ اشتباه موجب عدم نفوذ معامله دانسته شده و در ماده ۲۰۱ اشتباه در صورت خاص موجب وارد کردن خلل در صحت معامله شده است. اول مطلبی که موضوع تحقیق این مقاله مختصر است اینست که آیا چنانکه نص صریح مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ مقرر میدارند اشتباهات در این موارد موجب عدم نفوذ معامله است یا مطابق آنچه بعضی از نویسندگان فارسی تصور کرده اند لفظ عدم نفوذ ترجمه غلط از قانون مدنی فرانسه میباشد و در حقیقت این نوع اشتباهات موجب بطلان یا عدم انعقاد قرارداد میباشد ثانیاً سعی خواهد شد که تحقیق مختصری نسبت بانواع ممکنه اشتباه انجام گیرد مقصود از این تحقیق اینست که آیا اشتباهات منحصراند یا آنچه در قانون مدنی پیش بینی شده یا انواع دیگری نیز دارند در صورت آخری تکلیف وکیل یا قاضی که بدون دسترسی به نص صریح قانون مدنی بچنین موقعیتی روبرو میشوند چیست ثالثاً مختصر بحثی درباره حقوق تطبیقی مربوط با اشتباهات در عقود خواهد شد.

اول - علمای حقوق ایران شرح و حاشیه بر قانون مدنی نوشته اند و اغلب متفق الرأی اند که مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی ایران از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده ۲ دلایل مختلف برای صحت این نظر میتوان اقامه کرد اول اینکه در هیچیک از کتب فقه چه فارسی و چه عربی ذکری از مفهوم اشتباه بنحویکه در مواد مذکوره فوق آمده دیده نمیشود فقهای اسلامی مسائل مربوط با اشتباهات در عقود را به تفصیل زیاد بحث کرده اند اما تحت عناوین دیگر که بعضی از آنها در متن این مختصر ذکر خواهد شد. ثانیاً شباهت قابل انطباق لفظی و فلسفی است که مفاد این مواد یا بعضی از مواد قانون مدنی فرانسه دارند مثلاً هر دو اساس اشتباه را بر معلول بودن رضای طرفین قرارداده اند ۳ اما اینکه در ترجمه این مواد سهوی واقع شده و بجای بطلان عدم نفوذ ذکر شده مسئله است که قابل بحث است و بناچار تحقیق درباره قانون مدنی فرانسه را لازم میآورد فرق قرارداد باطل و قرارداد غیر نافذ زیاد است و در کتب فارسی راجع به آن بحث شده (۴) اینجا مختصراً باید ذکر کرد که قرارداد باطل اساساً رابطه حقوقی بین

۱ - دکتر سید حسن امامی - حقوق مدنی (انتشارات دانشگاه شماره ۲۱۳ تهران ۱۳۳۳) جلد اول صفحات ۱۵۱ - ۱۵۲ .

۲ - دکتر سید علی شایگان حقوق مدنی ایران (چاپخانه مجلس چاپ سوم تهران ۱۳۲۴) جلد اول صفحه ۱۱۵ .

جناب آقای مصطفی عدل منصور السلطنه حقوق مدنی (مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر چاپ سوم تهران ۱۳۳۱) صفحه ۱۲۰ .

۳ - رجوع شود به مراجع مفصله در حاشیه شماره ۱ مذکور در فوق .

۴ - A. Colin, H. Capitant. *Précis de droit civil* (Librairie Dalloz 1950 - Paris) qme. Tom II, P. 34

M. Planol, G. Ripert. *Traité Pratique de droit civil français*, (Librairie Générale de droit et de Jurisprudence 1930 Paris) Tome VI No, 179

۵ - دکتر سید علی شایگان صفحات ۱۱۰ - ۱۱۵ .

مختصری درباره اشتباهات در عقود

طرفین ایجاد نمیکنند طرفین و قانون چنین قراردادی را کان لم یکن تصور میکنند اما قرارداد غیر نافذ باید در محکمه غیر نافذ یا باطل اعلان شود این تفاوت از نظر آئین دادرسی و حقوق طرفین خیلی پراهمیت است مثلاً بموجب بند ۴ از ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مرور زمان چنین دعاوی به یکسال محدود شده با در نظر گرفتن این تفاوت میتوان به بحث درباره قانون مدنی فرانسه در مواد مربوط به اشتباهات در عقود پرداخت. ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران شبیه است بماده ۱۱۰۹ قانون مدنی فرانسه و در ماده اخیر قانون مدنی فرانسه مقرر میدارد که رضای حاصله صحیح نیست اگر این رضا بعلت اشتباه یا اکراه یا تدلیس تحصیل شده باشد فرق این ماده با ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران اینست که در قانون ایران تدلیس را از ماده ۱۹۹ حذف کرده اند این حذف قطعاً سهوی نبوده نبوده و بلکه عمدی بوده دلیل آنهم واضح است در فقه اسلامی خیار تدلیس پیشینی شده و قانون مدنی ایران مواد ۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ را منحصر بخیار تدلیس کرده است بنابراین ذکر تدلیس در ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران زائد بنظر رسیده حال اگر نویسندگان قانون مدنی ایران در حین ترجمه ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی فرانسه نسبت بحذف تدلیس اشتباه نکرده باشند نسبت بترجمه کلمه عدم نفوذ ممکن است اشتباه کنند این خیلی بعید است از این نظر که اشتباه در قانون مدنی فرانسه نیز فقط موجب عدم نفوذ معامله میشود و باید سهو از طرف نویسندگان کتب فارسی باشد.

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه تقریباً منطبق است با مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی ایران درباره معنی ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه و تعبیر ترجمه که در اطراف آن شده باید بکتب نویسندگان فرانسوی رجوع کرد کتابیکه نسبتاً بیشتر مورد علاقه محصلین مقدمات حقوق مدنی فرانسه میباشد تألیف آقایان کولین (Colin) و کاپیتان (Capitant) است که تا ۱۹۵۰ اقلاداً ده مرتبه بچاپ رسیده است ظاهراً این کتاب نفوذ فوق العاده در نویسندگان فارسی داشته. در کتاب کولین و کاپیتان اشتباهات سه دسته تقسیم شده اند اول آنهائیکه مانع ایجاد قرارداد میشوند در فصل دوم این مقاله نسبت باین مسئله بحث خواهد شد دوم اشتباهاتیکه فقط موجب عدم نفوذ میشوند و سوم آنهائیکه اساساً بوضع قرارداد اثری باقی نمیگذارند در موقع بحث نوع دوم از اشتباهات یعنی آنهائیکه فقط موجب عدم نفوذ عقدند نویسندگان مزبور ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه را بحث میکنند در واقع جز اینهم نمیتوانستند بگویند زیرا:

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی فرانسه مقرر میدارد که عقود منعقدہ تحت اشتباه یا اکراه یا تدلیس بخودی خود باطل نیستند بلکه در چنین موارد طرف حق دعوی بطلان یا فسخ را دارد و آنهم بطریقی که در ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه ذکر شد. ماده

۱ - کولین و کاپیتان (Colin, Capitant) گاهی نص صریح مواد مورد بحث خود را در کتاب ذکر میکنند و گاهی فقط قسمتی از آنها را برای دیدن ض این مواد باید بکتب عدیده که نص قوانین را بدست میدهد رجوع کرد.

۲ - کولین و کاپیتان (Colin, Capitant) جلد دوم صفحه ۳۴

۱۳۰۴ مربوط است بمقررات مرور زمان ونحوه اقامه دعوی درچنین موارد اولاً بنا برنص صریح ماده ۱۱۱۷ و ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه و ثانیاً بعلت اینکه کولین و کاپیتان ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه را تحت عنوان غیر نافذ بودن ذکر کرده اند وثالثاً بموجب نظر علمای دیگر حقوق مدنی فرانسه که موضوع را با موشکافی وتفصیل بیشتری بحث کرده اند ۲ هیچ تردیدی باقی نخواهد ماندکه عقود مشکله تحت اشتباهات مورد بحث ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه فقط غیر نافذاند وجز اقامه دعوی در محکمه برای بطلان یا اعلان غیر نافذ بودن آنها چاره نیست اما چنانکه ذکر شده ماده ۲۰۰ قانون مدنی ایران را بنظر قریب باتفاق علمای ایران ۳ از ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه اقتباس کرده اند و نص صریح ماده ۲۰۰ عقود مشمول آنرا غیر نافذ میدانند و بنابراین نظریه نویسندگان فارسی که عقود مشمول ماده ۲۰۰ را باطل میدانند و کلمه غیر نافذ این ماده را اشتباه در ترجمه تصور میکنند مردود است. قسمتی از گمراهی این نویسندگان فارسی ممکن است بعلت این باشد که کولین و کاپیتان ذکر کردیم از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی فرانسه دریاب اشتباهات نکرده اند ودر قانون مدنی ایران ماده که مستقیماً شبیه باین ماده باشد وجود ندارد باید اذعان کرد که گرچه قانون مدنی ایران مجله و در محیط نسبتاً غیر آزادی تدوین شده و خالی از عیب نیست عمق نویسندگان آن فوق العاده بوده است و باین سهلی در کار ترجمه سهو نمیکرده اند.

دوم انواع اشتباهات - اگر ممکن بود در این مختصر انواع ممکنه اشتباهات را در عقود بحث کرد و داد مطالب را داد و اتماماً موضوع اشتباهات لایق بحث حقوقی نبود اما درحقیقت تنوع اشتباهات و آثار آنها در عقود بعدی است که مطلب کافی برای یک جلد کامل میتوان تهیه کرد بنابراین توقع تحصیل کمال در اینجا ممکن نیست وجز باشاره در اطراف بعضی از موضوعات مهم چاره نیست.

اگر مفاد مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ را بدقت ملاحظه کنیم دونوع مختلف از اشتباهات را میشود متمایز کرد اول اشتباه مربوط « بخود موضوع معامله » و دوم اشتباه در شخص است

مفهوم « خود موضوع معامله » مفهوم بلیغی نیست. در صورتیکه معامله بیع عادی درجنس موجود باشد شاید موضوع معامله تا اندازه روشن و معلوم گردد اما اگر معامله قدری پیچیده شود مفهوم موضوع معامله را دیگر نمیشود تعریف وتوصیف کرد صفاتی هم که در مورد این مسئله در مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ برای موضوع معامله

۱ - (Planiol, Ripert) جلد ۶ شماره های ۱۷۶ - ۱۸۰

۲ - رجوع شود بحاشیه شماره ۱

۳ - آقایان امامی و شایگان و عدل هر سه همین عقیده را دارند اما آقایان حائری شاه باغ و عبه در کتب شرح قانون مدنی خود مسئله اشتباهات را خیلی باجمال بحث میکنند این خود شاید دلیل دیگری میباشد برای اینکه مواد مربوط با اشتباهات را نویسندگان قانونی مدنی از فرانسه کسب کرده اند چون آقایان عبه و حائری شاه باغ خیلی بیشتر بقسمت فقهی و سوابق فقهی قانون مدنی ایران اهمیت داده اند .

ذکر کرده اند کمک بحل مسئله نمیکند مثلاً ممکن است موضوع یک عقد بیمه عمر هم مالی باشد و هم منفعت عقلانی داشته باشد ولی برای تعیین موضوع این معامله که در صورت اشتباه ممکن است آنرا مشمول ماده ۲۰۰ و غیر نافذ سازد شاید چند سال جروبحث در محکمه لازم شود بهرحال یکی از انواع اشتباه بموجب ماده ۲۰۰ اشتباه در موضوع معامله است. این نوع را اشتباه در شئی نیز گفته اند^۱ و استفاده از این مفهوم شئی در اینجا موجب سادگی در کلام است .

فقه اشتباهات در شئی یا موضوع معامله را بتفصیل زیاد ولی تحت عنوان خیرات بحث کرده اند. خیلی مشکل است که تصور کرد که با موشکافی که فقها داشته اند اهمیت موضوع اشتباهات را ندیده گرفته باشند کمتر اشتباهی در موضوع معامله هست که تحت یکی از اختیارات نتوان بحث و حل کرد و بنظر آنها اشتباه در موضوع معامله معمولاً موجب خیار قیخ میشده نه فساد معامله. دلیل آنهم واضح است فقها بقوانین شکلی خیلی پایند بوده اند مثلاً محقق صاحب شرایع میگوید که بیع بلفظ جاری میشود و هیچ لفظی جز فعل ماضی جاری آن نمیتواند شد^۲

حتی اینکه آیا لفظ فارسی ممکن است جای لفظ عربی را بگیرد مورد بحث فقها بوده^۳ .

واضح است وقتی خشگی در انعقاد بیع باین اندازه رسید راهی برای رفع اشکالات در مورد اشتباهات باید باز کرد و آنهم انواع خیرات است.

یکی دیگر از اشتباهات مربوط بموضوع معامله اشتباه در مالکیت است فقها این مسئله را بوسیله مفهوم معامله فضولی حل کرده اند بقول محقق باسثناء موارد خاصی مالکیت با بیع شرط صحیح است^۴ دلیل آنهم واضح است کسیکه مالک نیست انتقال ملکیت نمیتواند داد مگر برای مالک عمل کند مثل وکالت اما معامله فضولی باطل نیست بلکه بقول ذوالمجدین عقدی است با شرط متاخر که تنقید مالک باشد^۵ .

در قانون فرانسه ماده ۱۵۹۹ مقرر میدارد که فروش مال غیر باطل است اما بین نویسندگان بحث مفصلی است که آیا واقعاً چنین فروشی باطل است یا غیر نافذ است

۱ - (Planiol Ripert) جلد ۶ شماره ۱۷۱

۲ - شرایع المقدمه واللفظ الدال علی نقل الملك من مالک الی آخر بموض معلوم ولا یكفی التناقض غیر لفظ ولا ینعقد الا بلفظ الماضی

۳ - آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی **صراه النجمله** « ترجمه وسیله النجاة » (چاپخانه اسلامی) جلد اول صفحه ۲۵۰

۴ - شرایع وان یكون البایع مالکاً او من له ان بیع عن المالك كالأب فلویاع ملك غیر وقت علی اجازه المالك او ولیه

۵ - زین المابدین ذوالجدین **فقه و تجارت** (انتشارات دانشگاه تهران ۱۷ - ۱۳۲۶) بخش دوم و بخش سوم صفحات ۳۷ - ۳۹ .

مختصری درباره اشتباهات در عقود

و برای فسخ این چنین معاملات مشمول ماده ۱۳۰۴ که در فوق ذکر شد میباشد^۱ با وجود مواد فوق الذکر و مباحثات بین حقوقیون واضح است که مفهوم معامله فضولی و احکام مربوطه بان خیلی کامل و وسیعتر از مواد مربوطه قانون مدنی فرانسه میباشد زیرا در مورد معامله فضولی مسئله تشخیص بین معاملات منقول و غیر منقول حل شده در صورتیکه در حقوق خارجی این مسئله بفرنج است بنابراین مسائل مربوطه با اشتباهات در موضوع معامله را فقهای اسلامی تحت دو عنوان معاملات فضولی و خیارات ده گانه که در قانون مدنی پیش بینی شده اند و بموجب ماده ۴۵۶ بعضی از خیارات بعموم معاملات لازمه عمومیت پیدا کرده اند بحث کرده اند و تفصیل آن خیلی از آنچه در قانون فرانسه میتوان پیدا کرد بیشتر است .

بعد از اشتباه در شیئی اشتباه در شخص است و غیر از این دو نوع در قانون مدنی ایران نوعی پیش بینی نشده اما چنانکه گفته شد بقول کولین و کاپیتان و همچنین بقول فضلی ایران اشتباهات از نظر آثار آنها ممکن است نوعی باشد که اساساً مانع انعقاد قرارداد شوند نویسندگان مزبور دو نوع اشتباه در این زمینه ذکر کرده اند اول اشتباه در نوع معامله یعنی دو طرف معامله دو نوع عقد مختلف در نظر داشته باشند مثلاً یکی بیع و دیگری اجاره دوم اشتباه در موضوع معامله بنحویکه دوشیئی مختلف مورد نظر طرفین باشد مثلاً یکی باغی بفروشد و دیگری خانه را بتصور خود بخرد^۲ .

اما اشتباهاتی که ممکن است مانع انعقاد عقد شود منحصر باین دو نمیتواند شد فقها انواع آنها را که از حدود میگذرند بحث کرده اند شواهد آنها در کتاب شرایع دریاب تجارت فراوان است مثلاً از شرایط عقد بیع معلوم بودن مبیع است و محقق صاحب شرایع در این باب مراحل مکرر و متعدد را ذکر میکند که بعلت نامعلوم بودن مبیع عقد جایز نیست^۳ بنا بر این هر چه که مانع وجود هر یک از شرایط عقد باشد مانع انعقاد آن نیز خواهد بود .

چنانکه همین نتیجه را هم از مفاد قانون مدنی ایران میشود گرفت؛ همینطور درباره مبیع صاحب جامع الشتات مینویسد اگر زید قدری تخم پیاز از عمر و خرید و کاشت بعد تخم گراس بیرون آسد اصل بیع فاسد است^۴ اما در قانون مدنی ایران ذکر

۱ - کولین و کاپیتان جلد دوم صفحه ۳۷۱ .

۲ - دکتر سید حسن امامی صفحه ۱۵۹ .

کولین و کاپیتان جلد دوم صفحه ۳۵ .

۳ - شرایع باب تجارت صفحات ۳ و ۴ .

۴ قانون مدنی ایران بموجب ماده ۱۹۰ چهار شرط اساسی برای صحت معامله قائل شده هیچ دلیلی نیست که تصور کنیم معاملاتی که در آنها قصد و رضا معلول است فقط باطل یا غیر نافذ میباشد و معاول بودن هر یک از چهار شرط ممکن است همان اثر را داشته باشد . مورد بحث اینجا فقط مواد مربوط با اشتباه است که خود یک نوع از علل متنوع قصد و رضا میباشد .

۵ - جامع الشتات میرزای قمی باب تجارت صفحه ۱۲۴ .

مختصری درباره اشتباهات در عقود

و تقسیم‌بندی انواع اشتباهات از روی آثار آنها نشده و دلیل آنهم شاید تنوع فوق‌العاده این اشتباهات و آثار آنها باشد پرواضح است که در قانون مدنی ممکن نبود باب تجارت شرایع را تکرار کرد. بهرحال بعلت وجود مفهوم بیع فضولی و اختیارات در قانون مدنی ایران مبحث اشتباهات در موضوع معامله نسبتاً کافی پیش‌بینی شده .

اما مسئله فوق‌العاده مشکلیکه ضمناً طرح شده و بلاجواب مانده این است که چرا در بعضی از اشتباهات مربوط بموضوع معامله معامله باطل میشود مثل مسئله تخم پیاز و کراس و در بعضی دیگر فقط اشتباه موجب عدم نفوذ معامله میشود مثل اشتباهات مشمول ماده ۲۰۰ . بلکه پیچیدگی جواب این سؤال است که موجب شده نویسندگان فارسی تمام انواع اشتباهات مربوط بموضوع معامله را مشمول ماده ۲۰۰ دانسته اند و هم‌را باطل شمرده‌اند اما جوائیکه در این مختصر میتوان باین سؤال داد موکول است بعد از بحث در دونوع دیگر از اشتباهات که در قانون مدنی ذکر شده اند .

در مقابل اشتباه در شئی یا موضوع معامله و اشتباه در شخص دو اشتباه دیگررا میتوان ذکر کرد اول اشتباه در قانون است و دوم اشتباه در جهت. اشتباه در قانون موقعی است که یکی از طرفین یا هر دو بتصور اینکه برحسب مقررات قانون عمل ممکن است یا اینکه اقدامی مقرر شده است بانقصد قراردادی دست یزنند و بعد بی‌باشبهاات خود ببرند در قانون مدنی ایران بلکه بتابعیت از قانون مدنی فرانسه ذکر می‌شود از این نوع اشتباه‌نکرده‌اند ماده ۱۰ قانون مدنی قرارداد های خصوصی که خلاف قانون نباشد نافذ دانسته و بدیهی است که عقودیکه خلاف قانون باشند قابل اجرا نمیباشند اما اشتباه در قانون همیشه معنی و اثر خلاف قانون را ندارد تنوع اشتباهات در این مورد فوق‌العاده زیاد و مشکلات حل مسئل آن فوق‌العاده پیچیده میباشد .

اما حذف اشتباه جهت در قانون مدنی ایران یا آنچه در فرانسه (Cause) میگویند بی دلیل و سهوی نیست معنی لغوی (Cause) بلکه جهت باشد اما معنی حقوقی آن مفهوم دیگری است که غیر از مفهومی که معمولاً از کلمه جهت درک میکنیم . (Cause) در قراردادهای قوانینی که از حقوق رم مشتق شده‌اند و حقوق فرانسه یکی از آنهاست سیر تکاملی داشته و قرن‌ها مورد بحث قضات و حقوقیون اروپائی بوده است شواهدی برای این مدعی در حاشیه ذکر میشود اما در فقه اسلامی و بعد از آن در حقوق مدنی ایران مفهومی شبیه به (Cause) وجود نداشته و امروز هم وجود ندارد . ماده ۲۱۷ قانون مدنی ایران تقریباً در عمل معاملات را از وجود جهت مستغنی میکند یعنی بموجب این

۱ - اولاً چهار ماده از مواد قانون مدنی فرانسه بمطلب (Cause) منحصر شده این مواد عبارتند از مواد ۱۱۳۳ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۱ و ۱۱۰۸ برای بحث مختصری در اطراف تاریخ تحول مفهوم (Cause) و معنی مواد مذکور بصفحات ۶۴ - ۵۵ جلد دوم کتاب گولین و کاپیتان رجوع شود

ثانیاً مطالب مربوط باین مبحث در جلد ششم کتاب Planiol, Ripert

E. Artur, *De la cause en droit romain et en droit français*, Dis H.
H. Capitant *De la cause des obligations*

مختصری درباره اشتباهات در عقود

ماده غیر ممکن است که معامله را در محکمه بعلت عدم وجود جهت باطل کرد مگر در صورت عدم مشروعیت. مواردیکه بعضی از علمای ایرانی درباب اشتباه درجهت معامله نوشته اند نیز اشتباه در مفهوم (Cause) نیست زیرا این مفهوم در حقوق ما وجود خارجی ندارد.

در قانون مدنی فرانسه اشتباه راجع (Cause) را تحت ماده ۱۱۳۱ و کاملاً مجزا از مواد دیگر که مربوط با اشتباهات می باشد ذکر کرده و بعلاوه از انشاء ماده ۱۱۳۱ میتوان درك کرد که اشتباهات در مورد (Cause) موجب بطلان قراردادها می باشد و حال آنکه چنانکه گذشت اشتباهات در موارد دیگر فقط موجب عدم نفوذ میشوند و بعلاوه باید در نظر داشت که اشتباه در (Cause) جزء اشتباهاتی که مربوط برضای طرفین بودند نیست تمام اشتباهاتی که در فوق ذکر شد رضای طرفین را معلوم و معیوب میگرداند در صورتیکه اشتباه در (Cause) خود مبحث کاملاً مجزائی است که در قانون فرانسه و تاریخ قضائی رم مورد مطالعه مفصل بوده است^۲ بنا بر آنچه گذشت اگر مطلب جهت معامله و اشتباه در آن در قانون مدنی ایران مورد بحث مفصل واقع نشده نقصان فوق العاده حاصل نمیشد و دلیل بر سهو و کتمان نویسندگان قانون مدنی ایران نیست بلکه عمق فکر آنها را در امور قضائی نشان میدهد.

اما عدم مطالعه مفهوم جهت در قانون ایران و مفهوم (Cause) در قانون فرانسه مسئله حقیقی یکنفر و کیل یا قاضی را حل نمیکند چه بسا که بدون دلیل و با اشتباه کسی مالی را بر حسب عقدی بدیگری منتقل میکند در اینصورت تکلیف چیست و همچنین ممکن است کسی با اشتباه قانون قراردادی را منعقد سازد مثلاً بعلت عدم اطلاع از نتیجه کلمات مصرف شده در یک عقدی بیش از آنچه مقصود بوده متعهد شده است. در قسمت اول یعنی اشتباه جهت اغلب اوقات میتوان بر اساس استیفاء بلاجهت یا استیفاء بلاحق که در حقوق فرانسه سابقه ممتد دارد و تحت مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی ایران پیش بینی شده اقامه دعوی کرد که عقد فسخ شود یا غرامت گرفته شود ولی چنانکه گفته شد خیلی مشکل است که عقد را در ابتدا باطل تصور کرد اما در مورد اشتباه قانون مسئله خیلی مشکلتتر است.

اگر قرار بود عدم اطلاع از قانون را بهانه عملیاتی قرار داد و از آنها بخلاف قانون منتفع شد وضع اجتماع دیگرگون میگردد عدم اطلاع از قانون غیر قابل استغفار است. اما اگر قراردادی منعقد شده بود که بعلت عدم اطلاع از قانون مفاد آن کمتر ذره با مفاد قانونی مغایرت داشته باشد قاضی ممکن است آنرا وسیله قرار دهد و احقاق حق کند و بر حسب مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ نیز شاید بتوان بر اساس استیفاء بلاحق هم چاره جوئی کرد. در قانون فرانسه بعلت ابواب راجع با استیفاء بلاحق و شبه قرارداد مسائل شبیه باین را آسانتر کرده اند بقول متخصص عقود در قانون امریکا جدیدت و کلاه و قضات

۱ - Planiol, Ripert جلد ششم شماره های ۱۷۶ - ۱۸۰

۲ - رجوع شود بحاشیه شماره ۲۰

مختصری درباره اشتباهات در عقود

فرانسوی این بوده که بمقاد مواد مربوط باستیفاء بلاحق وسعت بدهند تا از حقوق آنهائیکه مرتکب اشتباه شده اند و در عقود ضرر هائی متحمل شده اند دفاع کنند اما در قانون ایران نه مفهوم شبه قرار داد است و نه از مفاد مواد مربوط باستیفاء بلاحق استفاده شده در صورتیکه در مورد اخیر راه عمل باز است .

اما مهمترین مسئله که وکلاء و قضات در عمل و همچنین نویسندگان و فضیلابی حقوق تا بحال در مورد اشتباهات ناچار بحل آن بوده اند و هرگز راه حل آسانی هم نداشته فرق بین اشتباهاتیست که مانع انعقاد قرارداد میشوند مثل مسئله تخم پیاز و کراس که صاحب جامع الشتات درک کرده و اشتباهاتیست که فقط موجب عدم نفوذ میشوند یعنی آنهائیکه مشمول ماده ۲۰۰ قانون مدنی هستند .

در عالم نظر و تئوری خیلی آسانست که تعریف و تعبیری برای لفظ خود موضوع معامله که در ماده ۲۰۰ استعمال شده قائل شویم و خود را قانع کنیم یا مسئله را اساساً معدوم کنیم و بگوئیم که تمام اشتباهات موجب بطلانند و مترجمین قانون مدنی سهو کرده اند ولی هیچیک از این دو راه مغز متفکر را راضی نمیکند و در باره این مسئله بحث و مطالعه از حد و حصر گذشته .

باید معیار و مقیاسی پیدا کرد که بوسیله آن درجه اشتباهات را بسنجیم و ثانیاً معیار و مقیاسی بدست آوریم که بوسیله آن درجه عمق اثر اشتباهات را بر عقود و ارکان آنها اندازه بگیریم حل مسئله از طرفی غیر از اینها در واقع علم حقوق را چنانکه در مقدمه اشاره شد مثل علم ریاضی تلقی میکند در صورتیکه حقوق مردم که در معاشرت باهم در اجتماع بعد اعلای تنوع میرسد با ریاضیات ارتباط فوق العاده ندارد بلکه از جمله روابط انسانی است عبارت آخری همیشه مسئله بسادگی اشتباه مورد بحث صاحب جامع الشتات نیست اشتباهاتیست که در موضوع معامله یک قرارداد که مثلاً برای بنا و اداره یک کارخانه سیمان بسته شده بقدری متنوع و متعدد ممکن است بشوند که حدود آنرا پیش بینی هم نمیتوان کرد کدام یک از اشتباهات موجب عدم نفوذند و کدام موجب بطلان و آیا در واقع میتوان چنین قراردادی را یک قرارداد تلقی کرد .

اینجاست که مشکل واقعی یک قاضی و فضیلت یک وکیل بردیگری نمایان میشود و همچنین حقیقت پیچیدگی علم حقوق مشکلات از این قبیل هر روز برای قضات پیش میآیند و امثال آنها بیشمارند این قسمت از مقاله را میتوان با ذکر یک مثال که ایجاد رویه قضائی هم کرده است خاتمه داد شخصی خانه را با حدود معین و توصیف مذکور در قباله رسمی که شامل بنای نو و کهنه بوده میفروشد خریدار مدعی است که خانه مطابق توصیف باو تحویل نشده و در واقع بنای نو ندارد و از حق خود استفاده میکند و معامله را فسخ میکند فروشنده مدعی است که بموجب سند رسمی اسقاط کافه خیارات شده و مدعی میتواند به ثبت برای اجرای سند رسمی رجوع کند محکمه بدایت

S. Williston. A treatise on the law of contracts (Baker, Voorhis & Co. - 1

1973) P. 444 - 445 جلد پنجم (1973

واستیناف رأی به بیحقی مدعی میدهند شعبه اول دیوان تمیز در حکم شماره ۱۹/۵/۲۸/۸۵۹۱ حکم استیناف را فسخ میکند و چنین میگوید توصیف مبیع در قباله برای تعیین مورد معامله است و اسقاط خيارات را بطور مطلق نمیتوان شامل تخلف وصف هم دانست. اگر اسقاط خيارات بطور مطلق شامل تخلف وصف نباشد پس شامل چیست آیا شامل هیچیک از خيارات نیست آیا در این معامله جز اختلاف سرکیفیت خانه بوده و مطابق انتظار خریدار در نیامده و جز این بوده است که خریدار حق فسخ را از خود مطابق قانون اسقاط کرده. و اگر چنین است نتیجه ومعنی رأی دیوان تمیز در این مورد چیست تا آنجا که بفکر قاصر نویسنده این مطور میرسد دیوان تمیز فقط خواسته احقاق حق کسی را کند که سرتکب اشتباه شده و مقررات خشک قانون در مرحله بدایت و استیناف مانع میشده است هیچ موردی بارزتر از این دعوی برای درک ماهیت و وضع اشتباه وقتی بمعاکم برده میشود نمیتوان یافت. اینجا اشتباه در سر مبیع و یا موضوع معامله بوده تحت هراسم و عنوانیکه آنرا بحث کنیم در نتیجه باید حق یکطرف را که ضایع شده اخذ کرده و آنهم تاحدودی و تحت شرایطی که اعتماد و اعتبار را بکلی از نصوص قانون سلب نکند.

بنابر آنچه گفته شد مسئله مطروحه در فوق یعنی در کدام مراحل اشتباهات مانع انعقاد قرارداد میشوند و در چه موقع فقط موجب عدم نفوذ آنانند مسئله است که در حقیقت نه معنی معین دارد و نه جواب مطلق تمام بسته است بخصوص اینکه طرفین قرار دارد در حین انعقاد آن دارا میباشند و بوضع اختلاف و اشتباهیکه موجب دعوی یکطرف شده معیار و مقیاس حل چنین اختلافات نه منطبق مطلق است و نه میل و اراده یک قاضی بلکه تعبیر و اجرای کلیات نسبتاً مختصری است بوسیله مغز متفکر قاضی در مقابل خصوصیات دعوی و تحت شعاعیکه وکلای طرفین بر مسئله میتوانند بیفکنند.

سوم حقوق تطبیقی قسمت عمده از مطالبی که نوشته شده به بحث مفاد مواد قانون مدنی فرانسه اختصاص پیدا کرد و بنابر این از تکرار آنها خودداری میگردد در این قسمت از مقاله مختصر اشاره بحقوق انگلیس و آمریکا میشود در حقوق انگلیس و آمریکا قانون مدنی بدون وجود ندارد که بتوان بمواد آن رجوع کرد و با بحث مفاد آنها یا با نقل از حواشی مؤلفین در باره مواد قانون مطلب را مطالعه کرده. حقوق انگلیس و آمریکا را بخصوص در مورد مسائل کلی شبیه آنچه در این مقاله مورد بحث بوده فقط باید از خلال رویه های قضائی که چند قرن روی هم انباشته شده اند و عدّه آنها از حدود تحلیل خارج میشود استخراج کرد چون نویسنده این مطور در آمریکا حقوق مدنی تحصیل کرده ام بیشتر از هرکس واقف بعجز خود در استخراج چنین کلیات برای درج در جزئی از یک مقاله مختصر میباشم ولی چون معتقدم که بخصوص وکلا باید کم کم بمفاد حقوق مدنی انگلیس و آمریکا آشنا شوند مبادرت بنوشتن چند سطر آتی خواهم کرد.

۱ - احمد متین مجموعه قضائی قسمت حقوقی (چاپخانه آفتاب ۱۳۳۰)

مختصری درباره اشتباهات در عقود

در حقوق انگلیس و آمریکا اصل اشتباه بر این قرار داده شده که یک یا طرفین عقد حائز وضع فکری میباشند که در اثر اشتباه ایجاد شده و بعلت آن وضع فکری عملی که آثار حقوقی دارد از آنها سر زده است^۱ ارتباط عمل حقوقی و وضع فکری که در اثر اشتباه ایجاد شده عامل اولیه اشتباه است. مطابقت معنی با کلماتیکه بوسیله آنها اظهار موافقت بقرارداد میشود باین واقعیت طرفین از لوازم اساسی عقد قرارداد میباشد اما معیار و مقیاس وجود این مطابقت ادعا و یا حتی اثبات ادعائی یکطرف پس از انعقاد قرارداد منعقد نیست بلکه یک معیاری است که در خارج قانون تعیین کرده و محکمه اجرا میکند مثلاً درباره تفسیر و ترجمه یک قرارداد منعقد که محدود بسند کتبی شده مذاکرات شفاهی طرفین مسموع نیست چنین دلایل و براهین در مقابل نص قرارداد مرددند^۲.

اشتباهات ممکن است اولاً مانع انعقاد قرارداد شوند یعنی بعلت اشتباه قواعد اصلی قرارداد غیر قابل حصول بشوند و یا درحین انعقاد عقد عمل مورد عقد غیر ممکن باشد و طرفین بعلت اشتباه از آن بی اطلاع باشند^۳ در اینصورت عقد یا ایجاد نشده و یا باطل است و بین طرفین رابطه حقوق وجود ندارد.

اشتباهات ممکن است ثانیاً موجب عدم نفوذ معامله یا قابل بطلان بودن آن شوند این در صورتیست که فرضیه که بر آنها و بعلت آنها معامله ایجاد شده برخلاف واقع باشد و طرفین معامله در این فرضیات اشتباه کرده باشند و همچنین بین معامله منعقد و آنچه واقع میشد اگر فرضیات حقیقت داشتند تفاوت مالی نیز برای یکی از طرفین وجود داشته باشد در اینصورت آن طرفیکه ممکن است خسارت ببیند حق خواهد داشت معامله را در محکمه باطل یا غیر نافذ بسازد^۴ اما بر این قاعده کلی محاکم سه استثناء خیلی مفصل قائل شده اند که تا اندازه نیز بقوانین انگلیس و آمریکا اختصاص دارند. این سه مورد استثناء از قرار ذیل اند^۵

۱ - اگر شخص ثالث بیگناهی در اثر قرارداد صاحب حقوقی شده باشد و در صورت بطلان خسارت ببیند.

۱ - Williston جلد پنجم شماره ۱۵۳۶

۲ - رجوع شود به شماره ۱

۳ - Restatement of the law of contract

مطالب مربوط بشرح ماده ۵۰۱

این کتاب شامل موادی است که عده از استادان حقوق و وکلاء عدلیه و قضات من غیر رسمی سعی کرده اند رویه های قضائی مربوط بقرارداد را بصورت مواد قانونی مدون کنند. این مرجع برای راهنمایی محقق کافی است ولی هیچگونه رسمیت ندارد و در ایالات مختلف آمریکا نظریه های متعدد درباره آنها اتخاذ شده.

همچنین Williston جلد پنجم شماره ۱۵۴۱ و حاشیه شماره ۲

۴ - Restatement ماده ۵۰۲ Williston جلد پنجم شماره ۱۵۴۱

۵ - Restatement ماده ۲۰۵

مختصری درباره اشتباهات در عقود

- ۲ - اگر طرفی که تقاضای بطلان عقد را میکند بتواند در محاکم منصفه قرارداد را ترمیم کند.
- ۳ - اگر طرفی که تقاضای بطلان میکند بتواند بوسیله دریافت خسارت در محاکم قضائی تلافی اشتباه را بکند.

اصولاً اشتباهی حق بطلان قرارداد را میدهد که هر دو طرف معامله مرتکب شده باشند ۱ و اشتباه در یک فرضیه اساسی قرارداد باشد. از این حیث اشتباه در شیئی و اشتباه در شخص چندان فرقی باهم ندارند ۲ و گاهی اشتباه یکطرف نیز ممکن است موجب قابل بطلان بودن قرارداد شود ۳ اگر دعوائی بصلح خاتمه پذیرفت و بعد معلوم شود که این عقد صلح بعلت اشتباهی در فرضیات اساسی بوده محاکم این صلح را ممکن است فسخ کنند؛ همچنین اگر اشتباه در مورد مطالبی باشد که طرفین معامله معمولاً باید قبول خطر ضرر یا اسکان منفعت را بکنند دیگر چنین اشتباهات را محاکم باعث ابطال قرارداد نمیدانند پس از ذکر این کلیات نسبتاً سطحی باید در نظر داشت که کمتر قاعده کلی هست که در محاکم امریکا و انگلیس مجری میباشد و بر آن استثنائی نمیتوان یافت و همینطور همیشه اشتنا در استثنائات وجود دارد و باین دلیل بقواعد کلی نمیتوان متکی بود و باید بدقت بیشتر و بوسیله تحقیق عمق مطالب غوص کرد.

سه مورد استثنائی مذکور در فوق تا اندازه کلیت دارد ولی البته خود مشمول موارد استثنائی میباشد قسمت اول تعیین وجود شخص ثالث ذینفع معمولاً در مورد اسناد بهادار قابل انتقال مجری است اسناد قابل انتقال در قانون انگلیس و امریکا مشتملند بر سه نوع ۱ - بروات و حوالجات ۲ - انواع اسناد ذمه ۳ - چک نوع سند تجارתי برای رفع احتیاجات تجارت اختراع شده و قوانین مربوط بانها نیز بر حسب عرف تجارت برور تنظیم گردیده اولین و بلکه خاصیت آنها قابل انتقال بودن آنها است. کسیکه یک برات را که چندین دست در بازار گشته و پس از پشت نویسی میخرد امیدوار است که حقوق حاصله او بیشتر از حقوقی باشد که او در یک معامله سند عقد عادی غیر قابل انتقال

۱ - Williston جلد پنجم شماره های ۱۵۲۸ و ۱۵۷۳ و ۱۵۷۹

Restatement مواد ۵۰۴ و ۵۰۳ شرح آنها

۲ - Williston جلد پنجم شماره ۱۵۵۸

۳ - رجوع شود بمواد استثنائی مذکور در مراجع حاشیه شماره ۳۰

۴ - Williston جلد پنجم شماره ۱۵۴۳

۵ - مقصود از این مطلب خطریست که در معاملات طرفین یک قرارداد قبول باید بکنند علت ضرر در یک معامله که طرفین آن ناچار بقبول خطر آن بوده اند دلیل بوجود اشتباهی که بر اساس آن بتوان معامله را فسخ کرد نخواهد بود.

۶ - تنوع اسناد قابل انتقال در قانون انگلیس و امریکا بسیار زیاد است و تمام در تجارت رایج میباشد اما سه نوع مذکور در فوق اسناد مربوط بمعامله نقداند که بموجب قانون اسناد قابل انتقال هم در ایالات مختلف امریکا با تفاوتهاى جزئی مجری است.

منحصری در برابر اشتباهات در عقود

بدست میآورد و این از شرایط اصلی کمک این اسناد پدادهو ستند است بدلیل اسلسی در امور تجارت قانون این اسناد را بطور غیر عادی تلقی میکند و بهمین دلیل در بعضی از موارد اشتباهات طرفین معامله موفق بفسخ یا ابطال معامله نمیشوند مثلاً اگر پس از چند دست پست نویسی چکیکه امضای جعل داشت بدست شخص بیگانه بی اطلاعی که برای آن قیمت کامل کافی پرداخته بود برسد و این شخص چک را بانک ببرد و پول آنرا دریافت کند بانک دیگر بعلت اشتباه طرفین در امضاء حق اخذ وجه پرداخت شده را از شخص حامل چک ندارد در اینکه طرفین عقد بانک و حامل اشتباه کرده اند شکی نیست و در اینکه اشتباه در یک فرضیه اساسی معامله هست نیز تردیدی نیست اما بعلت خواص این نوع معاملات بانک حق ندارد پول پرداخت شده را از حامل یا هر یک از پست نویسان دریافت دارد و بموجب قانون حق هم ندارد پول را بحساب کشنده فرضی چک منظور دارد.

اشتباه دوم مربوط بخصوصیات محاکم منصفه در حقوق انگلیس و امریکا است جزئیات این خصوصیات را نمیتوان اینجا ذکر کرد ۲ باین اندازه باید آکتفا کرد که وقتی مدعی انجام عمل مثبتی را تقاضا میکند باید باین محاکم برود در مورد اشتباهات در عقود طرز عمل از این قرار است.

اگر مدعی بمحاکم قضائی یا قانونی برود حق خواهد داشت خسارت ادعا کند یا از انجام قرارداد خودداری میکند و بصورت دفاع بطلان عقدا میخواهد اما اگر نیت طرفین معلوم بود و یکطرف میتواند ثابت کند که نیت چه بوده و اشتباه چه دیگر دلیلی بر بطلان عقد نیست و طرفین را ممکن است مجبور کرده عقد واقعی را عمل کنند و قرارداد اشتباه را بالتتبعه میشود تصحیح کرد ۳ این عمل تصحیح یا اجبار یکطرف بحضور در محاکمه و قبول قرارداد واقعی یا تصحیح شده باید در محاکم منصفه انجام گیرد اما مواردیکه محاکم منصفه حاضرند دست بچنین عملی بزنند مواردی نیستند بلکه باید قواعد قوانین مخصوص محاکم منصفه اجرا شود دعوی طوری باشد که بتوان در چنین محاکم آنرا طرح کرد یکی از خصائص این محاکم منصفه این است که قاضی محکمه منصفه تمام جوانب دعوی را بطور نسبتاً غیر رسمی وبدون پابند بودن بقواعد شکلی رسیدگی میکند وبعد امر میدهد.

مثلاً در مورد اشتباهات در عقود و برای ترمیم قرار داد قاضی تحقیق میکند که آیا مدعی بی مبالا بوده یا نه آیا اگر در اثر توجه بیشتری با اشتباه میبرده آیا در اثر تصحیح و ترمیم قرارداد طرف مقابل خسارت میبیند و آیا اگر چنین خسارتی بطرف مقابل میخورد

۱ - Williston جلد پنجم شماره ۱۵۷۲

۲ - برای شرح نسبتاً اجمالی رجوع شود به *Equity H. Mc Clintock* (west Publishing Co St. Paul, Minn. 1948)

۳ - Mc Clintock شماره های ۱۰۵ - ۸۸

Williston جلد پنجم شماره های ۱۵۵۳ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۲

۴ - Mc Clintock شماره های ۲۰ - ۸ مسئله مربوط است به آئین دادرسی در محاکم منصفه که تابع آئین دادرسی بطور کلی نیست و آئین خاص دارد.

مختصری درباره اشتباهات در عقود

نسبت آن با خسارت مدعی در صورتیکه قرارداد ترمیم نشود چیست کدام یک از خسارتها بیشتر غیر منصفانه هستند. آیا اشتباه از یکطرف بوده و یا از طرفین آیا اشتباه تا چه اندازه در اصل قرارداد وارد میشود و عمق و اهمیت آن چقدر است آیا عقد معامله بوده و مدعی کدام طرف این عقداست آیا اشخاص دیگری در این معامله ذینفع هستند و در این صورت تا چه حدودی منافع آنها در خطر است هم اگر قرارداد تصحیح و اگر نشود خلاصه در محکمه منصفه مسائل خشکی محاکم قضائی را ندارند ولی هر مسئله را هم بمحکمه منصفه نمیشود آورد و هر تلافی را هم نمیشود توقع کرد.

بزرگترین شرط ورود بمحکمه منصفه اینستکه در محاکم قضائی نشود نتیجه گرفت و ثبوت این مسئله کار آسانی نیست سادهترین مثالیکه برای عمل محاکم منصفه در مورد ترمیم قراردادهای اشتباه میتوان یافت اینستکه شخصی باشریک خود حسابهای خود را میرسد و ۵۰۰۰ دلار بدهکاری را با اشتباه یک سند ۱۰۰۰۰ دلاری میدهد و بعد پی با اشتباه خود میبرد محکمه حکم بر ترمیم قرارداد سند ۱۰۰۰۰ میدهد و مبلغ آنرا به ۵۰۰۰ دلار تقلیل میدهد؛ در مورد دیگر کسی بتصور اینکه عوض سه پنجم فقط یک پنجم مالک است کلیه سهام خود را در ملک میفروشد و قیمت آنرا میگیرد بعد معلوم میشود که سه پنجم مالک بوده برای ترمیم عقد بمحکمه منصفه میرود محکمه حکم میدهد که چون مدعی تصور اشتباه در مالکیت داشته و حقیقتاً قیمتی که گرفته قیمت یک پنجم بوده قرارداد ترمیم میشود و مورد انتقال به یک پنجم تقلیل مییابد؟

در قانون انگلیس و امریکا و محاکم آنها اصل قیاس فوقالعاده اهمیت دارد اگر چنانچه دعوی یکطرف قابل قیاس با حکم و رویههای گذشته باشد میتوان بآنها استناد کرد و بنابراین امثال مذکور در فوق را میتوان تعمیم داد اما بر این قاعده کلی هم استثنای فوقالعاده خاص و مشکلی مقرر شده و وکلاء محاکم توانستهاند طریقی بدست آورند که رویهها و حکمهای گذشته را بتجوی از انحاء بردعای جدید غیر قابل انطباق جلوه دهند و در این کشمکش حقوقی است که قضات این محاکم باید رای بدهند . گنجایش این مختصر بیش از این محل برای بحث دروضع اشتباهات در عقود تحت حقوق انگلیس و امریکا ندارد مباحث عمیقتر و مفصلتر را باید موکول ببعد کرد.

۱ - حکم محکمه ایالت مسجوست Mass. در دعوی Gould v- Emerson

160Mass. 438 35 N, E 1065

۲ - حکم محکمه تمیز کالفرنیا در دعوی Cleghorn V- Zumualt

83 Col. 155 23 P. 294